

سیاست آب در حوضه آبریز کارون بزرگ و

چالش‌های هیدروپلیتیکی ناشی از آن

یاشار ذکی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مصطفی رشیدی^۱

دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۰۲

چکیده

آب به عنوان یک ماده رقابتی بسیار مهم در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است و بر این اساس مدیریت منابع آب، رقابت شدیدی را برای سلطه و نظارت بر منابع آبی ایجاد کرده است، که از آن به «ژئوپلیتیک آب» و یا «هیدروپلیتیک» تعبیر می‌شود. توزیع ناهمگون مکانی و زمانی بارش، کمبود ریزش‌های جوی، عدم تناسب میان عرضه و تقاضای آب در برخی نواحی کشور، کاهش تدریجی منابع آب بویژه بر اثر برداشت بی‌رویه از آب‌های سطحی و زیرزمینی و تغییرات آب‌وهوایی در کنار رشد بالای جمعیت بویژه در برخی نواحی کشور از یک سو و انتقال آب از نواحی دارای توان هیدرولوژیکی نسبتاً خوب به سایر مکان‌های دارای کمبود آب از سوی دیگر سبب می‌شود که رقابت‌های شدید و منفی بر سر تصاحب منابع آب صورت گیرد. این امر در نهایت زمینه تنش میان گروه‌ها، مراکز جمعیتی و فضاهای سکونتگاهی را با یکدیگر فراهم می‌نماید. امری که از منظر ژئوپلیتیک منجر به صورت‌بندی «هیدروپلیتیک منفی» در مقیاس ملی و ناحیه‌ای می‌گردد. مقاله حاضر با روش تحقیق تحلیلی - توصیفی و با هدف شناسایی و تبیین اثرات مدیریت غیرآمایشی و غیرمنطبق بر توان سرزمینی در حوزه منابع آب و بویژه مسئله انتقال بین حوضه - ای آب از حوضه آبریز کارون بزرگ (بهشت‌آباد) به داخل فلات مرکزی ایران در بروز منازعات و واگرایی‌های محلی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، هیدروپلیتیک، انتقال بین حوضه‌ای آب، کارون بزرگ، امنیت ملی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دستکاری‌های انسان در طبیعت، طرح‌های انتقال آب است. این طرح‌ها از یک‌سو پاسخی به مسأله ناهماهنگی میان توزیع جمعیت انسانی و فعالیت‌های مربوط به آن و از سوی دیگر توزیع مکانی نامناسب آب است (Zarqami & Ehsani, 2011: 2). رشد روزافزون جمعیت، توسعه اراضی کشاورزی، رشد صنایع، گسترش روزافزون نیاز و تقاضا در جامعه برای دستیابی به منابع آب با کیفیت مناسب، افزایش چشمگیر هزینه‌های تأمین آب اضافی و ضرورت کنترل آلودگی منابع آب و بهره‌برداری بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و لزوم حفاظت از آن‌ها، موضوع آب را از جنبه‌های مختلف به یکی از چالش‌های اساسی کشور تبدیل ساخته و بر این اساس مدیریت منابع آب کشور یک ضرورت مهم و اجتناب‌ناپذیر شده است. شرایط اقلیمی کشور ایران به گونه‌ای است که توزیع مکانی و زمانی نامتناسب بارش، رواناب سطحی نامتعادلی را در نواحی مختلف کشور به وجود آورده است. لذا توزیع ناهمگون بارندگی، کمبود ریزش‌های جوی، نبود توازن میان عرضه و تقاضای آب در برخی نواحی، کاهش تدریجی منابع آب بویژه بر اثر تغییرات آب‌وهوایی در کنار رشد بالای جمعیت برخی نواحی کشور از یک طرف و انتقال آب از نواحی دارای توان هیدرولوژیکی نسبتاً خوب به سایر نواحی دارای کمبود از طرف دیگر، سبب می‌شود که رقابت‌های شدیدی بین نواحی مختلف ایران بر سر تصاحب منابع آب صورت گیرد. این امر در نهایت زمینه تنش میان گروه‌ها و مراکز جمعیتی نواحی درون کشوری را با یکدیگر سبب می‌شود. امری که از منظر ژئوپلیتیک منجر به صورت‌بندی «هیدروپلیتیک منفی» در مقیاس ملی و ناحیه‌ای می‌شود و به نوبه خود بر روی مسائل امنیت محلی، ناحیه‌ای و حتی امنیت ملی اثرات منفی بر جای می‌گذارد. روند کنونی که افزایش بحران‌ها در حوزه منابع آبی و تنش‌های سیاسی - اجتماعی ناشی از رقابت بر سر منابع آب را نشان می‌دهد، ناشی از فقر منابع آبی در کشور، توزیع نامتوازن مکانی (سرزمینی) و زمانی (فصلی) بارش‌ها و مدیریت غیرآمایشی و غیرمنطبق بر توان سرزمینی کشور است که نشان از درک نادرست مدیران و برنامه‌ریزان از تنگناهای سرزمینی بویژه در حوزه منابع آب کشور است. در صورت عدم اصلاح نظام مدیریت سرزمینی و ادامه روند غیرآمایشی اداره سرزمین، تنش‌ها و رقابت‌ها و در نتیجه بحران‌های سرزمینی در کشور گسترش خواهد یافت که این امر در گام اول امنیت محلی و ناحیه‌ای و در نهایت امنیت ملی کشور را با مخاطره مواجه خواهد کرد.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق

مقاله حاضر با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با هدف شناسایی و تبیین نقش عوامل و ارزش‌های جغرافیایی به ویژه منابع حیاتی آب در بروز منازعات، واگرایی‌ها و تنش‌های بین‌ناحیه‌ای در جنوب‌غرب ایران صورت گرفته است. روش گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی بوده است.

محیط‌شناسی تحقیق

رودخانه کارون، بزرگ‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه کشور بوده و طول آن ۹۵۰ کیلومتر است. این رودخانه تنها رود ایران است که بخشی از آن قابل کشتیرانی است. سرچشمه شاخه‌های اصلی کارون (ارمند، کوه‌رنگ و بازفت) از

زردکوه بختیاری در استان چهار محال و بختیاری است؛ ولی شاخه‌های فرعی آن از کوه‌های گوناگون سرچشمه می‌گیرند، مانند رودخانه خرسان از کوه دنا در استان کهگیلویه و بویراحمد. شاخه دز که پرآب‌ترین شاخه کارون بزرگ است از بلندی‌های استان لرستان سرچشمه می‌گیرد. رودخانه کارون، پس از گذر از مناطق کوهستانی و پر پیچ و خم در منطقه‌ای به نام گتوند وارد دشت خوزستان می‌شود. رود کارون در شمال شوشتر به دو شاخه تقسیم می‌شود که در جنوب شوشتر با یکدیگر پیوند می‌یابند. مهم‌ترین شاخه فرعی کارون، رود دز است که در شمال اهواز به کارون می‌پیوندد. رود کارون در مرز ایران و عراق، به اروندرود پیوسته و روانه خلیج فارس می‌شود. پیچ و خم‌های موجود در سر راه این رود، خوزستان را به جلگه‌ای بی‌نظیر تبدیل کرده است. به لحاظ اقتصادی و معیشتی بیشترین بهره‌برداری از رودخانه کارون در استان خوزستان است که برای مصارف صنایع سنگین و کوچک، کشاورزی گسترده و تولید انرژی برق‌آبی مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنین دارای اکوسیستم منحصر به فرد و تالاب‌ها و هورهای وابسته به آن است. از ظرفیت‌های دیگر این رودخانه در استان خوزستان توان بالا در جذب گردشگر است. از این رو منطقه مورد مطالعه را بیشتر حوضه آبریز کارون بزرگ در استان خوزستان و چهار محال بختیاری مدنظر قرار می‌دهیم.

استان خوزستان با مساحتی حدود ۶۴۰۵۷ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران در کرانه خلیج فارس و اروندرود قرار دارد. این استان یکی از استان‌های مرزی کشور است که طبق آخرین تقسیمات کشوری از ۲۵ شهرستان تشکیل شده است. شهر اهواز مرکز استان است و این استان پنجمین استان پرجمعیت ایران است. جمعیت استان خوزستان بالغ بر ۴۵۲۱۳۱۸ نفر می‌باشد که از این تعداد ۷۱/۳ درصد در سکونتگاه‌های شهری و ۲۷/۷ درصد در سکونتگاه‌های روستایی زندگی می‌کنند و ۱ درصد هم کوچرو هستند. شمار عرب‌ها در نواحی روستایی استان خوزستان حدود ۳۷۰۸ تا ۴۰ درصد کل جمعیت روستایی استان را در بر می‌گرفت. جمعیت تخمینی عرب‌های استان خوزستان برپایه آمار ذکر شده در آن سال یک و نیم میلیون نفر بوده است و جمعیت غیرعرب این استان ۶۰ درصد است. در میان استان‌های ایران خوزستان از جمله استان‌هایی است که دارای اقوام متعددی است. بارزترین قومیت‌های این استان را می‌توان لرها و عرب‌ها دانست، که خود لرها دارای خرده فرهنگ‌های لرستانی (اندیمشک، بخش‌هایی از شوش و دزفول)، بختیاری (از بهبهان و رامهرمز، امیدیه و باغملک در جنوب تا ایذه، مسجد سلیمان، لالی، اندیکا، هفتگل، گتوند، اکثریت شوشتر و دزفول و بخش‌هایی از اهواز و اندیمشک)، خوزی (بخش قابل توجهی از دزفول و شوشتر) و بندری (شهرهای جنوبی مانند هندیجان) هستند، هر چند تمامی آن‌ها به لر بودن خودشان اذعان ندارند، ولی زبان و قومیت‌شان، لری است. اکثریت قریب به اتفاق مردم این استان شیعه مذهب هستند.

عرب‌های ایرانی شیعه که در غرب دشت خوزستان زندگی می‌کنند با همسایگان آن‌سوی گذرگاه آبی شط‌العرب، دارای فرهنگ مشترک قومی و مذهبی هستند. عرب‌ها سه درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، ولی اکثر همین سه درصد (حدود ۲/۵ میلیون نفر) در استان خوزستان مستقر هستند. در شرق استان، لرزبانان و خوزی‌ها که به لحاظ قومی و زبانی تقریباً یک قوم را تشکیل می‌دهند در مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ای و جلگه‌ای شمال، شرق و تا حدودی مرکز خوزستان زندگی می‌کنند. فارس‌ها هم در شهرهای بزرگ‌تر این استان مانند آبادان، خرمشهر، اهواز و بندر امام خمینی (ره) پراکنده هستند (Mottaghi & Rashidi, 2013: 54-55).



نقشه شماره ۱: پراکنش جغرافیایی اقوام در استان خوزستان

Source: Authors, 2016

چارچوب مفهومی و نظری تحقیق

حوضه آبریز

حوضه آبریز به قسمتی از خشکی‌ها که با توجه به شیب و شکل زمین آب‌ها در آنجا به پست‌ترین مکان موجود در پهنه آن جریان یابد. پست‌ترین مکان یک حوضه ممکن است دریا، دریاچه، باتلاق، رود و غیره باشد که معمولاً نام آن را بر روی حوضه آبریز مورد نظر می‌گذارند. مرز جدایی حوضه‌های آبریز از یکدیگر معمولاً منطبق بر خط‌الرأس کوهستان است. پهنه‌ای از زمین که توسط یک سیستم رودخانه‌ای واحد زهکشی می‌شود، حوضه آبریز آن رود می‌باشد. خط فرضی که کرانه‌های یک حوضه را از حوضه‌های مجاور جدا می‌کند، خط تقسیم آب‌ها نامیده می‌شود. حوضه‌های آبریز ایران به دو دسته اصلی داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. حوضه‌های داخلی آبریز رودخانه‌هایی هستند که در اشکال مختلف و با شدت جریان متفاوت آب‌های دامنه‌ها و قسمت‌های داخلی به این حوضه‌ها می‌ریزند. مهم‌ترین حوضه‌های داخلی عبارتند از: حوضه فلات ایران یا حوضه آبریز مرکزی و حوضه دریاچه ارومیه. حوضه فلات ایران خود از حوضه‌های فرعی زیادی تشکیل شده است. حوضه‌های خارجی نیز عبارتند از: حوضه خلیج فارس و دریای عمان و حوضه دریای خزر، در شمال شرق کشور نیز یک حوضه فرعی کوچک بنام

حوضه سرخس وجود دارد (نقشه شماره ۲). در اینجا از بین حوضه‌های مذکور به ویژگی‌های دو حوضه آبریز مرکزی و خلیج فارس و دریای عمان اشاره می‌شود.



نقشه شماره ۲: حوضه‌های آبریز اصلی ایران

Source: <http://isfahan.ir/Dorsapax/userfiles/Image/moavenat%20khadamatshahri/ZA2.jpg>

ارزش‌های جغرافیایی

جغرافیا در بطن خود حاوی ارزش‌هایی است که مطلوب انسان‌ها می‌باشد؛ زیرا حیات و زندگی بشر بر آن‌ها مبتنی و متکی است. این عوامل در واقع بنیادهای زیستی انسان را تشکیل می‌دهند. به عبارتی جغرافیا عرصه تعامل انسان با محیط طبیعی و خودساخته است که بر پایه روابط دیالکتیکی دائماً در حال تحول است. محیط اعم از طبیعی و انسان‌ساخت در حکم زیستگاه و بستر حیات و فعالیت انسان عمل می‌کند و برای گروه‌های انسانی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را می‌آفریند. مکان‌های جغرافیایی دارای موقعیت و محتوای ویژه‌ای هستند که به صورت ارزش‌های درک شده از سوی ملت‌ها، دولت‌ها و گروه‌های بشری درمی‌آیند و مطلوبیت خاصی پیدا می‌کند و در آن‌ها منافع را جستجو کرده و برای خود تعریف می‌کنند. ارزش‌های جغرافیایی که مطلوبیت پیدا می‌کنند در رفتار و کردار انسان‌ها به صورت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر همکاری، همگرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه و نظایر آن را می‌آفرینند. ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی به لحاظ ساختاری و کارکردی ماهیتی دوگانه دارند. به علاوه این که هویت ساختی و کارکردی عوامل جغرافیایی دارای ارزش ثابت و پایدار نیستند. بدین معنی که یک عامل در بستر زمان ممکن است دچار تحول ارزشی شود و یا در دیدگاه گروه‌های انسانی متفاوت

ارزش‌های متفاوتی داشته باشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد عوامل جغرافیایی از سیالیت ارزشی برخوردار هستند. به طور کلی جغرافیا تولیدکننده فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای زندگی انسان‌ها می‌باشد. انسان‌ها سعی می‌کنند فرصت‌ها را مورد استفاده قرار دهند و بر محدودیت‌ها غلبه کند و یا محدودیت‌های دیگران را چنانچه در موقعیت رقیب باشند به فرصت تبدیل نموده و علیه آنان به کار گیرند. بدین رو ارزش‌های جغرافیایی فرصت‌هایی هستند که مطلوب بازیگران سیاسی اعم از فردی یا گروهی واقع می‌شوند؛ زیرا اولاً آن‌ها می‌توانند تولیدکننده قدرت باشد، دوم اینکه کاربری آن‌ها می‌تواند به سلب قدرت رقبا منجر شود، سوم تأمین‌کننده نیازهای حیاتی و منافع جمعی و فردی می‌باشد. بنابراین ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی در مجموعه‌های کلی: شامل مکان و فضای جغرافیایی، الگوهای فضایی و انسان‌ها قرار دارند که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کند و توجه کنش‌گران را به خود جلب می‌نماید به عبارتی زمانی که این ارزش‌ها بار سیاسی به خود می‌گیرند ماهیت ژئوپلیتیکی می‌یابند (Hafeznia, 2006: 155 - 56). یکی از ارزش‌های جغرافیایی مطلوب انسان‌ها در قرن بیست و یکم «منابع آب» می‌باشد که تأثیرات قابل توجهی بر الگوهای رفتاری میان مردم، مکان‌ها و دولت‌ها با یکدیگر دارد. لذا رودخانه‌ها و حوضه‌های آبی به عنوان یک منبع طبیعی ارزشمند و کیفیت بهره‌برداری و سهم‌بری از آنها بر چشم‌انداز جغرافیایی روابط مردم، مکان‌ها و دولت‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد.

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک یعنی توجیه و تفهیم موضوعات مربوط به سیاست با توجه به داده‌های جغرافیایی (Gönlübol, 1978: 100). ژئوپلیتیک (رفتار و رویکرد) انسان را در داخل روابط متقابل آن با عامل مکان مورد بررسی قرار می‌دهد (Dugin, 2003). در همین راستا ژئوپلیتیک پویایی جغرافیا با حضور تمامی عناصر و ارزش‌های جغرافیایی است (İlhan, 2003: 36). بر این اساس ژئوپلیتیک، تفسیر و تعبیر سیاسی جغرافیا است (Tezkan & Taşar, 2002: 15). ایو لاکوست درباره این مفهوم می‌نویسد: «من چیزی را ژئوپلیتیکی می‌نامم که با رقابت و تقابل قدرت بر روی (و برای) سرزمین مرتبط باشد» (Lacoste & Giblin, 1999: 15). بنابراین ژئوپلیتیک از نقش‌آفرینی‌های سیاسی - محیطی در چارچوب مفهوم قدرت سخن می‌گوید (Mojtahedzadeh, 2001: 21).

ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین‌پذیر است که در آن سه عنصر اصلی «جغرافیا»، «قدرت» و «سیاست» خصلت ذاتی دارند. ترکیب سه متغیر جغرافیا، قدرت و سیاست پدیده‌ها و الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند که آن‌ها را در کنش‌های رفتاری مختلف همانند نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیرسلطه، ائتلاف، صلح، همکاری، جنگ، امنیت و نظایر آن می‌توان پی گرفت. این الگوهای رفتاری محصول ترکیب متغیرهای سه‌گانه پیش گفته هستند که می‌تواند به عنوان مبنای فلسفی پایداری برای ژئوپلیتیک به شمار آیند. در این الگو جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه است. در حوزه فضا، تعامل‌های فضایی، حوزه‌های نفوذ نظام‌ها و ساختارهای فضایی مدنظر است. در حوزه محیط ویژگی‌ها و عوامل محیط طبیعی و مصنوع (انسان‌ساخت) همانند موقعیت، وسعت و الگوی پخش منابع، اقلیم، آب و خاک، ساخت‌های اقتصادی و معیشتی، سکونتگاه‌ها و غیر آن کانون توجه هستند. لذا تعریف ژئوپلیتیک تنها محدود به حوزه بین‌المللی و فراکشوری نیست؛ بلکه بر اساس این تعریف ژئوپلیتیک موضوع‌های مورد مطالعه خود را نه تنها

در حوزه روابط بین‌الملل و در مقیاس کروی بلکه می‌تواند در قلمروهای ملی، ناحیه‌ای و محلی و حتی روابط اجتماعی خانواده‌ها بیابد. یعنی به همان نسبت که مطالعه نقش نفت خلیج فارس در فرآیندهای سیاسی - نظامی بین‌المللی و تحوّل در ساختار قدرت جهانی موضوع ژئوپلیتیکی است به همان نسبت رقابت‌های مکانی در داخل کشور، استان یا میان استان‌ها و شهرها با همدیگر برای دستیابی به فرصت‌های توسعه و رفتار گروه‌های اجتماعی برای شکل دادن به نهادهای جامعه مدنی و کسب قدرت برای کنترل رفتار دولت‌ها به منظور دستیابی به آسایش و رفاه بیشتر نیز موضوع‌های مورد مطالعه در ژئوپلیتیک هستند (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 260 - 62). بنابراین در کنار ژئوپلیتیک کلان که درباره ساختار قاره‌ای، سیاره‌ای و یا جهانی به تحقیق می‌پردازد و نیز ژئوپلیتیک کلاسیک دولت‌محور که بر مسائل دولت‌ها و رشد و افول آن متمرکز می‌شود، ژئوپلیتیک خرد^۱ مطرح می‌شود که در محدوده داخلی کشورها یعنی در استان‌ها، ولایات و شهرها به بررسی و تحقیق می‌پردازد. این نوع ژئوپلیتیک در اواخر قرن بیستم شکل گرفت که بیشتر به تحولات ماهیت‌های کوچک‌تر از قبیل نواحی / مناطق، شهرها و ارگانسم‌های متعدّد درون‌کشوری همانند مدیریت منابع اجتماعی آب، جاده‌ها، ضایعات و غیره می‌پردازد. ژئوپلیتیک خرد منعکس‌کننده بخش‌ها و اجزای زندگی اجتماعی است؛ چرا که کلیه فعالیت‌های انسانی از ابعاد ژئوپلیتیکی برخوردار است و هر انتخابی ثمره برنامه‌ریزی حساب شده‌ای است که بر اطلاعات محدود پایه‌ریزی شده و ممکن است اشتباه باشد. انتخاب‌ها که پویایی خاصی را در پی دارند، در تقابل با یکدیگرند. لذا ژئوپلیتیک خرد بیانگر انحراف‌ها و خطاهای ژئوپلیتیک کلاسیک دولت‌محور است. بازیگران می‌توانند مخالف یکدیگر باشند و اهداف مختلفی را دنبال کنند. از این رو همه چیز تابع ژئوپلیتیک است و هر بازیگر، ژئوپلیتیک خاص خود را دارد. هر فرد یا گروهی از افراد که در فضا و زمان قرار گرفته‌اند به موقعیت خود می‌اندیشند و با فرآیندهای ژئوپلیتیک دیگر تلاقی پیدا می‌کنند (Defarges, 2013: 190 - 91).

بر اساس تعریف مذکور، ویژگی‌ها و عوامل محیط طبیعی و بنیادهای زیستی در شکل‌گیری الگوهای رفتاری گروه‌های انسانی نسبت به یکدیگر در مقیاس محلی و ناحیه‌ای (استان‌ها، شهرها و روستاها) ژئوپلیتیک درونی^۲ و خرد را شکل می‌دهد. حال در این بین یکی از ارزش‌های جغرافیایی و بنیادهای زیستی مهم و غیرقابل جایگزین «منابع آب و انتقال آن از یک حوضه آبریز به حوضه آبریز دیگری» است که زمینه مناقشات ژئوپلیتیکی به نام «هیدروپلیتیک» را فراهم می‌نماید. بدین رو در ادامه تحقیق ضروری است که به طور اختصار به موضوع مزبور پرداخته شود.

هیدروپلیتیک

آب که مایه حیات است، باید مایه صلح نیز باشد. آب مهم‌ترین عامل تولید غذا و بنابراین عامل پایداری زیست در کره زمین است. آب یک عنصر سیاسی - امنیتی بود و روز به روز سیاسی‌تر و امنیتی‌تر می‌شود. آب می‌تواند منشأ جنگ‌های بین‌المللی و منطقه‌ای آینده باشد. این امر موجب گران‌تر شدن آب از نظر اقتصادی به اهمیت یافتن آن از نظر سیاسی، امنیتی و اجتماعی گردیده است. اهمیت یافتن آب زمینه بروز اختلافات را نیز پیش آورده است. آب

¹ Micro-geopolitics

² Internal Geopolitics

منشأ تمرکز انسان‌ها در یک مکان و یا منطقه خاص شده است. حتی آب منشأ بافت کالبدی و ساختار فیزیکی بسیاری از شهرها و روستاها است. آب، خود نوعی انرژی است و در آینده نه چندان دور در مناطقی از جهان از انرژی‌های فسیلی گران‌تر خواهد شد. آب یک عامل اجتماعی بسیار مهم در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است. در ضمن سرمنشأ بسیاری از رفتارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی «ساختارهای مربوط به استفاده از آب» است (Papoliyazdi & Vosoughi, 2011: 11 - 12). کمبود رو به تزاید آب و منافع مشترک دولت‌ها و مردم بر سر منابع آب نظیر رودخانه‌ها سبب گردیده که آب به عنوان عاملی تعیین کننده در سیاست بین‌الملل و روابط دولت‌ها با یکدیگر و نیز در سیاست داخلی کشورها میان مردم و دولت و یا میان مردم با همدیگر به ایفای نقش بپردازد. به طوری که آب امروزه به صورت یک ماده رقابتی و مطلوب وارد عرصه مناسبات و مناقشات دولت‌ها شده است (Hafeznia & Nikbakht, 2002: 46). از همین رو است که منابع آب (مانند رودخانه‌ها) غالباً به عنوان یک مشکل امنیتی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی تلقی می‌شود؛ چرا که در بسیاری از کشورها مدیریت منابع آب، رقابت شدیدی را برای سلطه و نظارت بر منابع آبی ایجاد کرده است (Ezzati, 2005: 319). اصطلاح هیدروژئوپلیتیک دقیقاً بر نقش فزاینده منابع آب بویژه رودخانه‌ها به یک عامل ژئوپلیتیکی دلالت می‌کند (Naji, 2005: 204). سیاست آب (هیدروپلیتیک) علم بررسی آب به عنوان یک عنصر طبیعی و عملکردهای سیاسی آن تعریف شده است (Rahmani, 1995: 199). بنابراین «ژئوپلیتیک آب» به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی، ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد؛ اعم از این که در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد (Hafeznia, 2006: 102). در کل شقوق هیدروپلیتیک عبارت است از:

۱- هیدروپلیتیک مثبت (همکاری) ۲- هیدروپلیتیک منفی (تنش‌زا).

انتقال بین حوضه‌ای آب

توزیع غیر یکنواخت زمانی و مکانی بارش و پراکنش ناهمگون پتانسیل منابع آب سطحی در سطح کشور از یک‌سو و رشد جمعیت و توسعه جوامع شهری و توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی از دیگر سو، مسأله کمبود آب برای مصارف شرب، صنعت و کشاورزی را در برخی از نقاط کشور پررنگ‌تر نموده است. با توجه به این کمبودها در برخی از نواحی کشور که در شرایط خشکسالی‌های طولانی قرار دارند، وضعیت به مراتب وخیم‌تر می‌شود و از طرفی وجود حوضه‌های پرآب در برخی دیگر از نواحی کشور سبب می‌شود که گزینه انتقال آب در دستور کار قرار گیرد. بنابر تعریف عام انتقال بین حوضه‌ای عبارت است از «انتقال حقبه‌ها یا انحراف آب (زیرزمینی و یا سطحی) از حوضه‌ای به حوضه‌ای دیگر». در تعریف مشخص‌تر انتقال آب که متأثر از رویکرد بازاری در چارچوب‌های حقوقی و قوانین آب در برخی ایالت‌های آمریکا است، چنین بیان می‌شود:

تغییر موقت یا درازمدت محل انحراف، مکان مصرف و یا نوع مصرف، به منظور انتقال یا مبادله آب و یا حقبه‌ها که منظور از انتقال موقت یک‌سال و یا کمتر و انتقال درازمدت، بیش از یک سال است. در تعریفی دیگر از این دست، بر داوطلبانه بودن انتقال آب تأکید می‌شود: تغییر داوطلبانه در شیوه رایج توزیع آب در میان مصرف‌کنندگان (در

واکنش به کمبود آب) است که به وسیله انتقال آب از حوضه‌ای پرآب به حوضه‌ای که در آن سال کمبود آب وجود دارد، انجام می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که انتقال بین حوضه‌ای آب در قالب طرح‌های آبی برای جمع‌آوری، انتقال و ایجاد کیفیت مناسب برای توسعه موزون فعالیت‌های انسانی لازم است (2: Khodabakhshi & Khodabakhshi, 2010). اما تردیدی نیست که انتقال آب می‌تواند در حوضه دریافت‌کننده منافع فراوانی را به ارمغان بیاورد. در هر حال انتخاب این گزینه مستلزم بررسی دقیق جنبه‌های فنی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و زیست‌محیطی در فرآیندی مشارکت‌محور است. بدون شک در بسیاری از طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای آب به دلایلی همچون طولانی بودن مسیر و نیاز به سازه‌های سنگین، پیچیدگی زیاد ابعاد مختلف طرح‌های انتقال، زمان طولانی مطالعه و اجرا، هزینه‌های سنگین، تعدد ذی‌نفعان، پیچیدگی‌های قانونی، گستردگی نواحی تحت تأثیر و نیاز به نگرش جامع و درازمدت، درگیری چندین سازمان دولتی و غیردولتی (مردم نهاد)، لزوم حفاظت از منافع شخص ثالث، ریسک‌های انتقال آب، مسائل حق‌آبه‌بران و سهم‌بران، مسائل زیست‌محیطی، پویایی حوضه‌های آبریز، منازعات سیاسی - اجتماعی و مسائل دیگر موجب می‌شود که در بیشتر موارد گزینه انتقال آب بین حوضه‌ای به عنوان «آخرین راه‌حل» مطرح شود (Arab & Mohammadvali, 2008: 4)، و قطعاً در صورت وجود گزینه‌ها و راه‌حل‌های جایگزین و محتمل برای تأمین آب بایستی آنها در اولویت برنامه‌ریزان باشد.

تجربیات جهانی در زمینه انتقال بین حوضه‌ای آب

در دهه‌های گذشته، طرح‌های متعدد انتقال آب در سراسر جهان و به ویژه در آمریکای شمالی پیشنهاد شده است. دهه ۱۹۶۰ م. دوره‌ای است که بلندپروازانه‌ترین طرح‌های انتقال آب بر سر زبان‌ها افتاد و بی‌تردید در این میان پیمان آب و برق آمریکای شمالی مشهورترین آنها به شمار می‌رود. با گذشت زمان و اهمیت یافتن مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی در برخی طرح‌های توسعه منابع آب تجدیدنظر شد و برخی نیز به کل از دستور کار خارج شدند. مطابق فهرست تجارب انتقال بین حوضه‌ای آب که در سال ۲۰۰۵ میلادی در نوزدهمین کنفرانس کمیته بین‌المللی آبیاری و زهکشی در شهر پکن ارائه شد، مشخص گردید که مجموع طرح‌های اجرا شده و پیشنهاد شده در کشورهای توسعه‌یافته بیش از جهان در حال توسعه است. به منظور ارائه تصویری کلی از طرح‌های انتقال آب در جدول شماره (۱) خلاصه‌ای از چند طرح بزرگ و مناقشه‌برانگیز ارائه شده است.

جدول شماره ۱: مشخصات چند طرح بزرگ انتقال آب در جهان

ردیف	نام طرح	کشور	اجزای طرح
۱	انتقال آب از جنوب به شمال	چین	مسیرهای سه‌گانه
۲	اتصال رودخانه‌ها	هند	بخش هیمالیایی: ۱۴ طرح بخش شبه‌جزیره‌ای: ۱۶ طرح
۳	طرح ملی هیدرولوژیکی	اسپانیا	۴ طرح انتقال، ۱۱۸ سد، ۴۱ مجموعه آب‌شیرین‌کن
۴	پیمان آب و برق آمریکای شمالی	کانادا/ آمریکا/ مکزیک	انتقال آب از نواحی پرآب شمال غربی آمریکای شمالی به کانادا، ایالت‌های غربی آمریکا و سه ایالت شمال مکزیک
۵	انتقال آب از کوهستان‌های لسوتو	آفریقای جنوبی/ لسوتو	ساخت ۵ سد بزرگ، ۲۰۰ کیلومتر تونل در دو فاز
۶	انتقال آب ملامچی	نپال	تونل زیرزمینی انتقال آب به شهر کاتماندو

Source: Arab & Mohammadvali, 2008: 5

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

مدیریت منابع آب در ایران و پیامدهای آن

در کشور ایران به رغم خشکی و کمبود آب و در نتیجه ارزش راهبردی منابع آب، مکان‌گزینی فعالیت‌ها بر اساس محدودیت‌های منابع آبی صورت نگرفته است. اقدام به گسترش کشاورزی در نواحی از کشور مانند حوضه دریاچه ارومیه و ایران مرکزی نه تنها سبب اتلاف منابع آب و بهره‌وری پایین می‌شود، بلکه سبب دامن‌زدن به بحران‌های هیدروپلیتیکی در دورن کشور می‌شود. به‌عنوان مثال مناطق مرکزی کشور مانند استان کرمان با ایجاد فشارهای محلی خواستار انتقال آب بین حوضه‌ای از زاینده‌رود و کارون هستند که این فشارها تنها برای تأمین آب آشامیدنی نیست و بیش‌تر با مقاصد کشاورزی صورت می‌گیرد. انتقال آب از مناطق مستعد کشاورزی که قطب کشاورزی کشور هستند به مناطق کم‌آب برای توسعه‌ی کشاورزی بیان‌گر سیاست‌گذاری غیر‌آمایشی و عدم توجه به توان‌ها و ظرفیت‌های ذاتی مناطق و نواحی جغرافیایی کشور است. انتقال آب از یک منطقه‌ی مستعد کشاورزی به منطقه‌ای دیگر؛ صرفاً با استدلال وجود خاک مناسب در مقصد انتقال آب، نوعی چشم‌پوشی از جمع عوامل زمینه‌ساز استعداد طبیعی برای کشاورزی در منطقه‌ی مبدأ مانند خوزستان و غرب استان اصفهان و استان‌های لرستان و چهارمحال و بختیاری است. این امر سبب تحمیل هزینه‌های زیاد انتقال آب بر دولت و مردم و اتلاف منابع آب، بحران اکولوژیکی و تخریب محیط‌زیست و کشاورزی در مناطق مبدأ و در نتیجه بروز آسیب‌ها و بحران‌های هیدروپلیتیکی و مناقشات درون‌سرزمینی بین نواحی جغرافیایی داخل کشور می‌شود. به‌ویژه که این سیاست‌گذاری غیر‌آمایشی انتقال آب بین حوضه‌ای بر مرزهای قومی و جغرافیای فرهنگی منطبق است، به نحوی که حوضه‌های بالادستی و مبدأ در استان‌های خوزستان و لرستان و چهارمحال و بختیاری و غرب استان اصفهان دارای ترکیب قومی غالب لر، خوزی و عرب هستند و غالب ترکیب قومی حوضه‌های آبریز پایین‌دست فارس زبان است. گذشته از مرزهای قومی، مرزهای بومی و خرده‌فرهنگی و دارای هویت‌های محلی مانند اصفهانی، کرمانی و غیره نیز وجود دارد که بحران آب می‌تواند سبب شکاف‌هایی در این مرزهای هویتی گردد. با وجود مسائل و بحران‌های اخیر در رابطه با انتقال آب بین حوضه‌ای، در تقسیم‌بندی آمایشی جدید کشور به ۹ منطقه در برنامه ششم توسعه و سند ملی آمایش سرزمین، استان چهارمحال و بختیاری به همراه استان‌های اصفهان و یزد در یک منطقه قرار گرفته است که علاوه بر

غیرآمایشی و غیرجغرافیایی بودن این تقسیم‌بندی (به دلیل در بر گرفتن اقلیم‌های مختلف و به شدت متفاوت و غیرمتجانس) تداعی‌کننده سیاست انتقال آب از استان چهارمحال به استان‌های اصفهان و یزد است. از این رو سیاست انتقال آب به‌عنوان یک سیاست غیرآمایشی منسوخ در جهان که هم‌چنان در کشور ایران در حال پیگیری است می‌تواند سبب بروز مناقشات هیدروپلیتیکی و آسیب‌های سیاسی و امنیتی برای کشور شود (Rashidi, 2014: 220).

یکی دیگر از آسیب‌های مدیریت منابع آب در ایران، احداث بی‌رویه سدهای متعدد برای تولید انرژی برق آبی در مناطق با تبخیر و تعرق بالا است. احداث سدهای زیاد در استان خوزستان و جنوب لرستان و ایلام و جنوب غرب استان کهگیلویه و بویراحمد که دارای آب و هوای گرم در بیش‌تر ماه‌های سال است سبب تبخیر و تعرق حجم زیادی از منابع آبی - به‌ویژه منابع آب شیرین - می‌شود که در صورت توسعه انرژی‌های نو مانند زمین‌گرمایی و انرژی بادی و خورشیدی در مرکز و شرق و شمال کشور، نیاز به احداث سدهای برق آبی با هزینه‌های بالا و نتایج تخریبی برای محیط‌زیست در منطقه‌ی جنوب غرب و سایر نقاط کشور نیست. گسترش سدسازی همچنین سبب زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی، چراگاه‌ها، گونه‌های زیستی، راه‌های ارتباطی، روستاها و غیره می‌شود. سدسازی در ایران سبب خشک شدن بسیاری از تالاب‌ها شده است. تشکیل دریاچه‌های مصنوعی سبب تغییرات آب و هوایی و وقوع بارش باران به جای برف در فصول سرد سال و در نتیجه بروز سیلاب و کاهش ذخیره آب‌های زیر زمینی شده است. این شکل مدیریت منابع آب و تأکید بر سدسازی سبب بروز مشکلاتی از این قبیل شده است که در نوع خود آسیب‌هایی را متوجه‌ی محیط‌زیست انسانی کرده است. این امر ریشه در عدم توجه به آمایش سرزمین و اقتضانات اکولوژیکی مناطق مختلف کشور دارد.

بحران آب و هیدروپلیتیک داخلی؛ انتقال آب از حوضه کارون بزرگ

به طور کلی امروزه کمتر طرح انتقال آب را می‌توان یافت که به دور از مناقشه و منازعه در سطوح مقیاس‌های محلی، ناحیه‌ای، ملی و حتی بین‌المللی باشد. برای نمونه می‌توان به مخالفت‌های مردمی با طرح انتقال آب از رودخانه ابرو در اسپانیا اشاره کرد که دولت اسپانیا در سال ۲۰۰۴ م. آن را ملغی اعلام کند (Arab & Mohammadvali, 2008: 10). در ادامه به مسائل هیدروپلیتیکی طرح انتقال آب بهشت‌آباد در بخش علیای حوضه کارون بزرگ که زمینه‌ساز مشاجرات محلی و ناحیه‌ای و حتی ملی میان مردم و مسئولین در مبدأ و مقصد شده است، به طور مجمل اشاره می‌شود:

الف) شکاف در مرزهای هویتی و تقابل قومیتی

کشور ایران به سبب گستردگی، شکل سرزمین، توپوگرافی و ژئومورفولوژی خاص خود دارای حوضه‌های آبریز متعدد است. برخی از این حوضه‌های آبریز دارای رودخانه‌های دائمی و پرآب با دبی بالا هستند و برخی از حوضه‌های آبریز بیش‌تر از خشک‌رودها و رودخانه‌های موقتی و فصلی کم‌آب با دبی بسیار کم تشکیل شده‌اند. کشور ایران دارای شش حوضه آبریز اصلی شامل: حوضه آبریز فلات مرکزی، خلیج فارس و دریای عمان، دریای مازندران، هامون، دریاچه ارومیه و سرخس است. حوضه‌های آبریز درجه دوم نیز ۳۰ عدد است. گسترش بسیاری از صنایع بزرگ کشور که نیاز به آب زیادی دارند و همچنین توسعه کشاورزی در مناطق ضعیف اکولوژیکی سبب بروز

بحران آب شده است. برای نمونه می‌توان به بحران دریاچه ارومیه و زاینده‌رود اشاره کرد. دریاچه ارومیه به دلیل کشاورزی بی‌رویه و زاینده‌رود به دلیل احداث صنایع سنگین و گسترش کشاورزی با خطر جدی مواجه شده‌اند. این بحران زمانی عمیق‌تر می‌شود که برای جبران کمی آب این حوضه‌ها و احیای آن‌ها طرح انتقال آب از حوضه‌های دیگر مانند ارس و زاب کوچک (برای دریاچه ارومیه) و کارون بزرگ (برای حوضه زاینده‌رود) در دست مطالعه و اجرا قرار گیرد. این امر سبب بروز اختلافات اجتماعی و در نتیجه سیاسی بین ساکنین و ذی‌نفعان حوضه‌های آبریز بالادستی و حوضه‌های مذکور شده و با توجه به تفاوت قومی حوضه‌های آبریز، این مسأله به یک بحران هیدروپلیتیکی داخلی مبدل شده است که شکاف‌هایی را بین اقوام به وجود آورده است. به‌عنوان مثال مرز حوضه آبریز زاینده‌رود و کارون، مرز قومی گرها و خوزی‌ها (و در پایین دست‌تر اعراب) و فارس‌ها است (نقشه شماره ۳). گرها، خوزی‌ها و فارس‌ها به لحاظ زبانی، مذهبی و قومی تقریباً یکسان‌اند و در دوره نظام جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌گاه مناقش‌های نداشته‌اند. اما دورنمای بحران آب بیانگر ایجاد یک شکاف قومی بین گرها و فارس‌ها است. این انتقال آب بین حوضه کارون بزرگ و زاینده‌رود به دلیل تحت تأثیر گذاشتن زندگی اعراب خوزستان و نیز اقلیت فارس استان خوزستان، سبب شکل‌گیری یک هویت اکولوژیکی و محیط‌زیستی بین اقوام مستقر در حوضه کارون بزرگ شده و می‌شود و یک شکاف بزرگ قومی را به‌وجود خواهد آورد که امروزه نشانه‌های بارز آن به چشم می‌خورد. گرها، خوزی‌ها و اعراب و حتی فارس‌ها در یک طرف و فارس‌های مرکزی در طرف دیگر این مناقشه قرار دارند. این امر سبب بروز شکاف بین گرها و خوزی‌ها با فارس‌ها و نیز دامن زدن به تحریکات قومیت عرب که سابقه نیز دارد، می‌شود.

تداوم سیاست‌گذاری غیراصولی و ضدآمایشی انتقال بین‌حوضه‌ای آب که بر جغرافیای فرهنگی خاص نواحی مبدأ و مقصد و به طور اخص بر مرزهای قومی ناحیه جنوب‌غرب و مرکز ایران منطبق است، سبب گسست در میان اقوام ساکن در حوضه‌های گیرنده و دهنده می‌شود. گذشته از مرزهای قومی، مرزهای بومی و دارای هویت‌های محلی و ناحیه‌ای مانند بختیاری، خوزستانی، اصفهانی، کرمانی، یزدی و نظایر آن نیز وجود دارد که در صورت تشدید بحران آب و عدم اعمال مدیریت پایدار و بهینه منابع آب می‌تواند موجب بروز و ظهور شکاف‌هایی در این مرزهای هویتی شود که در جغرافیای سیاسی از آن به عنوان «محلی‌گرایی سیاسی منفی» و در صورت ادامه دامنه جغرافیایی بحران می‌تواند به «ناحیه‌گرایی سیاسی منفی» بدل شود.

ب) اختلافات بالقوه و بالفعل تقسیم آب در استان‌های گیرنده

انتقال آب از حوضه پرآب کارون بزرگ به نواحی مرکزی، وابستگی نسبی این نواحی را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت و در صورت عدم برنامه‌ریزی کلان و جامع به منظور رفع وابستگی در درازمدت سبب خواهد شد. بر اساس گزارش مشاورین طرح در سال هدف نیاز آب سطحی از رودخانه زاینده‌رود ۳۵۵۲ میلیون متر مکعب است و در نتیجه، کمبود ۱۴۴۱ میلیون متر مکعب در این حوضه وجود خواهد داشت که با اجرای طرح انتقال، کمبود سالیانه به حدود ۴۰۰ میلیون متر مکعب خواهد رسید. در طرح بهشت‌آباد، آب انتقال یافته بین سه استان اصفهان، یزد و کرمان تقسیم خواهد شد که سهم هر یک به ترتیب ۴۰، ۳۰ و ۳۰ درصد در نظر گرفته شده است (Arab & Mohammadvali, 2008: 24). نکته قابل تأمل این است که موضوع تقسیم آب میان استان‌های گیرنده می‌تواند به تشدید اختلافات در

حوضه مقصد و به ویژه شهرهای دریافت‌کننده آب در سال‌های کم‌آبی منجر شود. شهرهای مرکزی ایران با توجه به جمعیت‌پذیری بالا در سال‌های اخیر و تمرکز قطب‌های صنعتی به صورت بالفعل و بخصوص صنایع آب‌بر، دارای توان رقابتی فوق‌العاده‌ای برای بروز منازعات محلی و ناحیه‌ای بر سر استفاده و مدیریت منابع آب هستند. این مسأله با توجه به حساسیت منازعات محلی در کشور شایسته بررسی و مطالعات دقیق‌تر می‌باشد. به عنوان نمونه هجوم کشاورزان حومه شرقی اصفهان در سال ۱۳۹۱ به تأسیسات انتقال آب به یزد را می‌توان اشاره کرد.



نقشه شماره ۳: ترکیب قومی حوضه کارون بزرگ

Source: Authors, 2016

ج) پیامدهای اجتماعی

افزایش مشکلات اجتماعی در حوضه مقصد و بالا گرفتن منازعات محلی و بین‌بخشی در خشکسالی‌ها است؛ چرا که ظرفیت طرح‌های انتقال مانند قمرود و آب بهشت‌آباد بر اساس متوسط آورد رودخانه در نظر گرفته شده و در زمان خشکسالی آبدهی رودخانه نسبت به شرایط نرمال ممکن است بین ۳۰ تا ۶۰ درصد با کاهش مواجه شود و چون بواسطه این طرح‌ها، نیازهای جدید شرب و صنعت استان‌های دیگر به زاینده‌رود تحمیل شده در زمان

خشکسالی تأمین نیاز آب کشاورزان این حوضه در اولویت بعدی قرار خواهد گرفت. بر این اساس عدم تأمین آب موجب مشکلات اجتماعی و حتی منازعات محلی و ناحیه‌ای می‌شود (صمدی بروجنی، بی‌تا). به طوری که در صورت عدم برآورد دقیق پیامدهای متعدد طرح‌های موجود منجمله آثار اجتماعی آن و ایجاد تنش بین اقوام مختلف و استان‌های مرتبط با طرح، زمینه تفرقه و کشمکش بین ذی‌نفعان مبدأ و مقصد فراهم می‌شود. طبعاً در این بین گاهی هزینه مسائل اجتماعی کمتر از مسائل اقتصادی نمی‌باشد. به طور خلاصه مهم‌ترین آثار اجتماعی انتقال بین-حوضه‌ای آب از سه زیرحوضه دز، بهشت‌آباد و کوهرنگ عبارتند از: افزایش درگیری بین مصرف‌کنندگان آب، افزایش فقر عمومی، افزایش مهاجرت به دلیل خشک یا کم‌آب شدن چشمه‌ها، قنوت و چاه‌های منطقه مسیر، افزایش نارضایتی‌های عمومی در مورد تصمیم دولت مبنی بر انتقال آب، بروز بی‌عدالتی‌ها و افزایش سوءظن‌ها و ایجاد یأس و ناامیدی در مردم حوضه مبدأ به دلیل دادن برخی فرصت‌ها.

د) انتقال آب محملی برای جغرافیای انتخابات

موضوع انتقال آب از سرشاخه‌های کارون بزرگ و زیرحوضه‌های آن بر وجه دیگری از سیاست و آن هم روی انتخابات اعم از ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی انعکاس پیدا می‌کند. جایگاه و اهمیت تاریخی آب در زندگی ایرانیان از یک سو و وقوع بحران بالقوه و بالفعل آب در بسیاری از نواحی کشور از سوی دیگر سبب شده در موضوع خطیر انتخابات از این منبع حیاتی و ارزشمند به عنوان ابزاری برای جلب آرای مردم استفاده شود (Samadi Boroujerdi, 2013: 1). طرح چنین موضوعاتی در ایام تبلیغات انتخاباتی نه تنها به مدیریت بهینه منابع آب و آمایش اصولی سرزمین هیچ کمکی نمی‌کند، بلکه تقاضاهای غیرمعقول به شکل انباشت خواسته‌های مردم محلی و در مقیاس وسیع‌تر مردم ناحیه در مناسبات میان مردم با همدیگر و نیز مردم و مسئولین دولت محلی اثرات نامطلوبی بر جای گذارد. به طوری که بعدها همین شعارهای تبلیغاتی در میان ذی‌نفعان، صورت رسمی و مطالبه-گرا نه پیدا می‌کند و در گذر زمان به گفتمان غالب در میان مردم و سایر سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی تبدیل می‌شود. این مسئله زمانی مشخص‌تر می‌گردد که کشور و منطقه مورد نظر دارای یک برنامه جامع و نقشه راه نیست و کاندیداهای انتخاباتی بویژه در انتخابات مجلس، با تأکید بر گزاره‌های غیرعلمی و شعاری اقدام به گردآوری رأی مردم می‌کنند و پس از پیروزی هیچ برنامه و راهبرد خاصی به صورت دسته جمعی در بین نمایندگان حوضه آبریز مورد نظر وجود ندارد و این امر سبب گسترش نارضایتی در بین مردم می‌گردد.

و) حساسیت‌های جغرافیای سیاسی اقوام

طرح‌های گذشته انتقال آب که تأثیر آن‌ها امروز به روشنی آشکار شده است (برای مثال وخیم شدن کیفیت آب و پیامدهای منفی به بهداشتی و زیست‌محیطی) به اضافه حساسیت‌های ناشی از دیگر اقدامات (انتقال نفت و برق) در استان‌هایی چون خوزستان با توجه به تنوع قومیتی و حساسیت‌های سیاسی و ناحیه‌ای نگرش‌های منفی پیدا و پنهانی را شکل داده است. در چنین وضعیتی پیشنهاد انتقال آب بین حوضه‌ای در پروژه‌های جدید می‌تواند وخامت مسائل اجتماعی - سیاسی را تشدید کند. لذا شایسته است تصمیمات کمتر سنجیده گذشته که تاکنون برای حل آثار منفی آن‌ها قدمی برداشته نشده، به شکلی مطلوب مورد توجه قرار گیرد و راه‌حلی منطقی برای آن‌ها اندیشیده شود. در

غیر این صورت باید پیامدهای نامطمئن و پراکنده و بحران‌آفرین را به انتظار نشست (Arab & Mohammadvali, 2008: 38 - 9). همین امر شکاف‌های هویتی را در بین گروه‌های قومی بیشتر می‌کند. حساسیت‌های جغرافیای سیاسی اقوام در کشور و بویژه استان خوزستان به واسطه بروز بحران‌های اخیر در خاورمیانه و تحریک هویت عربی و نیز نفوذ جریان‌های سلفی در داخل کشور و استان خوزستان، اهمیت بیشتری یافته است که مسئله آب و نارضایتی ناشی از آن می‌تواند به تصاعدی شدن بحران‌های قومی و فرقه‌ای بینجامد.

ی) کنشگری‌های سیاسی متأثر از طرح بهشت‌آباد

مخالفت‌ها و اعتراضات مردم شهرهای مختلف چهار محال و بختیاری، موضع‌گیری‌های علنی و تند نمایندگان استان چهار محال و بختیاری در مجلس شورای اسلامی، تشکیل زنجیره‌های انسانی در کنار کارون (زنجیره انسانی حمایت از کارون)، مخالفت مردم خوزستان در فضای رسانه‌های اجتماعی و استعفای دسته‌جمعی نمایندگان مردم خوزستان در مجلس شورای اسلامی (که از جمله دلایل استعفایشان مخالفت با انتقال آب کارون بوده است) از جمله نمونه‌های بارز کنشگری سیاسی مردم و مسئولین در باب انتقال بین‌حوضه‌ای آب است. در واقع زمانی که یک موضوع آمیشی و فنی درباره آب به بار سیاسی به خود می‌گیرد، تبدیل به موضوع هیدروپلیتیکی می‌گردد؛ چرا که کلیه فعالیت‌های انسانی از ابعاد ژئوپلیتیکی برخوردار است. استعفای دسته‌جمعی نمایندگان استان خوزستان و برخی از نمایندگان لرستان و چهارمحال بختیاری به صورت ناخواسته سبب خدشه وارد شدن به حیثیت بین‌المللی کشور و القای وجود بحران در داخل کشور می‌شود که سبب بدتر شدن وضعیت سیاسی - امنیتی در استان‌های مذکور و کشور می‌شود.

نتیجه‌گیری

آب را نمی‌توان فقط یک کالا مشابه دیگر کالاها محسوب کرد؛ زیرا آب یک منبع حیاتی و حقی برای تمامی شهروندان به حساب می‌آید. آب به عنوان یک ماده رقابتی بسیار مهم در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است و سرمنشأ بسیاری از رفتارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی «ساختارهای مربوط به استفاده از آب» است. لذا مدیریت منابع آب، رقابت شدیدی را برای سلطه و نظارت بر منابع آبی ایجاد کرده است، که از آن به «ژئوپلیتیک آب» و یا «هیدروپلیتیک» تعبیر می‌شود، که به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات ملت‌ها در داخل کشورها و بین حکومت‌ها می‌پردازد. یکی از موضوعات حساس در این باره انتقال حقایق‌ها یا انحراف آب (زیرزمینی و یا سطحی) از حوضه‌های پرآب به حوضه‌های کم‌آب است که انتقال بین‌حوضه‌ای نامیده می‌شود. در سند راهبردهای توسعه درازمدت منابع آب کشور نیز بر انجام طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای از دیدگاه توسعه پایدار و با رعایت حقوق همه ذینفعان، مشروط به توجیحات فنی، اقتصادی، اجتماعی و منافع ملی تأکید شده است (The Government Cabinet, 2003). هدف اصلی طرح‌های انتقال آب این است که ضمن انتقال «آب مازاد»، حقایق‌ها، سهم‌آبه‌ها، صاحبان حق اشتراک فعلی و پایداری زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حوضه مبدأ در اولویت باشد و دچار کمبود جدی نشود. طرح بهشت‌آباد از جمله این طرح‌ها بحساب می‌آید که برای انتقال آب از زیرحوضه کوه‌رنگ و بهشت‌آباد استان چهار محال و بختیاری به داخل فلات مرکزی ایران و به طور مشخص

استان‌های اصفهان، یزد و کرمان طراحی شده است. طرح مزبور همانند سایر پروژه‌های انتقال آب دارای بازتاب‌های مکانی - فضایی مثبت و منفی است. پیامد مثبت انتقال آب تونل بهشت‌آباد به فلات مرکزی ایران، تأمین آب مورد نیاز سکونتگاه‌های شهری و روستایی و نیز نیازهای کشاورزی و صنعتی فلات خشک مرکزی است. بر اساس نگاه سیستماتیک و ملی‌گونه به پهنه قلمرو ملی و پرهیز از نگاه محلی و قومیتی محض باید منطقه وسیع داخل فلات مرکزی ایران را از معضل کم‌آبی نجات داد، اما نه به هر قیمتی. برای نمونه انتقال آب از زیرحوضه بهشت‌آباد و کوه‌رنگ به زاینده‌رود و در طرح اخیر تحت عنوان «طرح تأمین آب شرب اصفهان» و «طرح جامع احیای حوضه آبریز زاینده‌رود» نباید به اندازه پیش‌بینی‌های انجام گرفته در طرح‌های اولیه (۱۱۰۰ میلیون متر مکعب) و بدون در نظر گرفتن نیازهای مبدأ و حوضه‌های پایین دست صورت گیرد.

از جمله مسائل هیدروپلیتیکی طرح‌های انتقال آب در حوضه آبریز مذکور و پیامدهای سیاسی - اجتماعی منفی آن می‌توان به تشدید منازعات و واگرایی‌های محلی و ناحیه‌ای، به مخاطره افتادن امنیت محلی و ناحیه‌ای، کنشگری‌های سیاسی مردم و مسئولین (در قالب موضع‌گیری، اعتراض، استعفا و غیره)، تنوع قومیتی و حساسیت‌های سیاسی و ناحیه‌ای ناشی از آن در حوضه مبدأ، بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی از طرح‌های مذکور و ورود این موضوع به گفتمان‌های انتخاباتی و سیاسی، پیامدهای اجتماعی نظیر افزایش نارضایتی مردم، مهاجرت ناخواسته، بروز درگیری‌های بسیار خرد محلی بر سر آب، افزایش سوءظن‌ها و نظایر آن، اختلافات بالقوه و بالفعل تقسیم آب در استان‌های گیرنده و تشدید اختلافات در حوضه مقصد و به ویژه شهرهای دریافت‌کننده آب در سال‌های کم‌آبی اشاره کرد. از دیدگاه ژئوپلیتیسین‌ها بازتاب‌های فضایی، اجتماعی و سیاسی فوق‌الذکر می‌باید مدنظر برنامه‌ریزان، مسئولین و دست‌اندرکاران اجرای طرح باشد تا هزینه‌های اجتماعی - سیاسی و امنیتی را به حداقل ممکن رساند.

خلاصه کلام در طرح انتقال آب از حوضه آبریز کارون بزرگ، فراتر از بحث‌های فنی - که به اذعان اغلب کارشناسان مسائل آب عمدتاً تأکید بیش از حد و تک‌بعدی بر روی این جنبه شده است - می‌باید ابعاد و پیامدهای اکولوژیکی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و زیست‌محیطی مبدأ و مقصد به صورت سیستماتیک و یکپارچه در نظر گرفته شود. مطالعه همه‌جانبه و یکپارچه اثرات و پیامدهای انتقال آب از زیرحوضه‌های آبریز کارون بزرگ بر منافع ملی، ناحیه‌ای و محلی بایستی در فضایی کاملاً علمی، کارشناسی و بر پایه مستندات و استانداردهای بین‌المللی همچون استانداردهای پیشنهادی یونسکو، کمیسیون جهانی سدها، شاخص‌های توسعه پایدار و تجربه‌های مؤفق و ناموفق انتقال بین‌حوضه‌ای آب در کشورهای مختلف و نیز فارغ از هرگونه بخشی‌نگری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و محلی‌گرایی صرف انجام پذیرد. در نظر گرفتن فضای جغرافیایی به صورت یکپارچه و نظام‌مند و نیز لحاظ ساختن روابط متقابل اجزا و عناصر فضایی، دقیقاً منطبق بر رویکرد فضایی در جغرافیای سیاسی است که جغرافیدانان سیاسی کاربست چنین رویکرد جامعی را در طرح‌های توسعه فضایی و آمایش و عمران ناحیه‌ای و محلی و ملی توصیه می‌کنند.

References

Agricultural Jihad Organization of Chaharmahal & Bakhtiari Province (2003). Document Agricultural Development and Natural Resources Chahar Mahal & Bakhtiari, Ministry of Agriculture.

- Arab, D.R & Mohammad Vali Samani, J (2008). The Report of Beheshtabad Inter-Basin Water Transfer to the Central Plateau, Office of Majlis Research Center Infrastructure. Serial number 8935 Report.
- Boroujeni Samadi, H (without date). Beheshtabad tunnel, source of conflicts and social crises in the future, Available in: <http://waterresources.blogfa.com/page/m>.
- Dolatyar, M & Gary, T (2010). Water Politics in Middel East, Translate by R. Afzali & R. Eltiaminia, Tehran: International Press.
- Dugin, A (2003). Avrasiyaci Çağrı ve Türkiyenin Yeri, Available in: [http:// Parsimony. Net / Forum 67363 / messages / 1527. Htm](http://Parsimony.Net/Forum/67363/messages/1527.Htm).
- Ezzati, E (2005). Analysis of the Geopolitics of Iran and Iraq, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Gönbübol, M (1978). Uluslararası Politika İlkeler-Kavramlar, Ankara: Ankara Üniversitesi Basımevi.
- Hafeznia, M.R & Kavianirad, M (2014). Philosophy of Political Geography, Tehran: Publishing Institute for Strategic Studies.
- Hafeznia, M.R & Nikbakht, Mehdi (2002). Water and socio-political tensions, Case Study: Yes. Mashhad. Geographical Research Quarterly, No. 65-66.
- Hafeznia, M.R (2006). Principles and Concepts of Geopolitics, Papoli Press.
<http://isfahan.ir/Dorsapax/userfiles/Image/moavenat%20khadamatshahri/ZA2.jpg>
- İlhan, S (2003). Jeopolitik duyarlılık, Ötüken Yayınları, İstanbul.
- Khodabakhshi, B & Khodabakhshi, F (2006). Inter-basin water transfer, sustainable approach to water resources management, Isfahan Conference on Water Resources Management.
- Lacoste, I & Giblen, B (1999). Geopolitical Factors and Ideas, Translated by A. Ferasati, Tehran. Publishing secure.
- Mojtahidzadeh, P (2002). Geopolitical and Geographical Policy, Tehran: SAMT Press.
- Moro Dhofar, P (2013). Geopolitical Culture. Translate by S.H Raziei. Tehran: Publication of Contemporary Culture.
- Mottaghi, A, Rashidi M & Ghamari, A (2013), Geographical Analysis of Khuzestan Citizens Vote in Presidential Elections, Geography Quarterly (Regional Planning), No.4, Fall.
- Naji, S (2005). An Analysis of the Geopolitics of the Middle East at Large, Tehran: Goharshad Publications.
- Papoliyazdi, M.H & Vosoughi. F (2011). Take a Water Diplomacy in Iran: Hydro geopolitics, Mashhad: Papoli Press.
- Rahmani, B (1995). Glossary of Choice, Physical and Human Geography, Tehran: Alavi Publications.
- Rahnemaei, M.T (2010). Environmental Abilities, Tehran: Wisdom and Power Press.
- Rashidi, M (1393), Pathology Geopolitical Approach to Land Use Planning in Iranian Territorial Space and Provide Strategic Model, Doctoral Dissertation, Faculty of Geography, University of Tehran.
- Saeednia, M, Samadi Boroujeni, H. & Fatah, R (2008). Evaluation of Inter-basin Water Transfer Projects by Using WEAP (Case Study: Tunnel Beheshtabad), Iran Water Research magazine, No. 34 33.
- Samadi Boroujeni, H (2013). Presidential Candidates Promise not Water Transfer Tunnel, Available in: <http://ibnanews.ir/vdcc.mqma2bqesla82.html>.
- The Government Cabinet of the Islamic Republic of Iran (2003). Approval of Long-Term Strategies of Country Water Resources Development.
- Yilmaz, T & Nurat T.M (2002). Dünden Bu Güne Jeopolitik, İstanbul: Ülke Kitablari.
- Zaki, Y (2012). Geopolitical Foundations of Effective on the Nation-State Divergence of the Islamic World (with an Emphasis on Geographic Values). Tabriz. The Fifth Congress of the Islamic World Geographers.
- Zarghami, M & Charity, F (2011). A Multi-Criteria Decision-Making Methods of Evaluation in Water Transfer Projects in the Basin of Urmia Lake, Iran Water Resources Research. No. 20.